



برای نخستین بار در مشهد، پای نانشوایان به کلاس های یک فرهنگ سرا باز شد

آموزش با ایما و اشاره

فاطمه خلجالی استاد - یک خبر کوتاه، ما را به اینجا رساند: به این حرف که: «نانشوایان در جامعه، کنار گذاشته شده اند و از کمترین حقوق شهر وندی بی بهره اند، چون صدایشان شنیده نمی شود.» آن خبر این بود: «فرهنگ سرای شهید خادم الشریعه برای نانشوایان، کارگاه آموزشی فتوشاپ را برگزار کرد.»

در نگاه اول، اقدامی معمولی به نظر می رسید، اما وقتی بیشتر کنکاش کردیم، تازه به این موضوع پی بردیم که برای نخستین بار است چنین امکانی در شهر مشهد (از سوی ارگانی به جز کانون نانشوایان)، برای این قشر فراهم شده و این در حالی است که در همه مناطق شهر حتی نقاط کم بر خور دار آن، چنین امکاناتی برای افراد معمولی به راحتی مهیاست.

«فرهنگ سرای شهید خادم الشریعه» و «کانون نانشوایان خراسان رضوی» مکان هایی بودند که برای گزارش پیش رو به آثار فتمی. حالا پرنگ ترین تصویری که از مجموع این گزارش، بر ذهنمان مانده، شروع یک شب پاییزی در کانون است که قریب به ۱۵۰ نانشوادر سالن کوچک آن، پشت در پشت هم نشسته و ایستاده بودند. برای اولین بار بود که چنین جمعیتی را در کنار هم می دیدیم و صداهایی را می شنیدیم که بر ایمان گنگ و نامفهوم بود: صداهایی که تاکنون نشنیده بودیم، شاید هم نخواستیم بشنویم.



■ افسانه حمیدی ادیب
■ مدرس کلاس



■ محمد ترابی
■ پیشنهاد دهنده طرح



■ لیلا منیری
■ مترجم کلاس
■ مسئول مترجمان کانون
■ نانشوایان خراسان رضوی



■ محمد ابراهیم حسینیان
■ مدیر فرهنگ سرا

و در ادامه پاسخ او را به ما منتقل می کند: «تا به حالا اصلا کلاس کامپیوتر نرفته بودم. اولش که تصمیم گرفتم به اینجا بیایم، فکر می کردم هیچی یاد نمی گیرم و دستم موقع کار کردن با کامپیوتر می لرزد اما الان خیلی بهتر شده ام و دوست دارم این کلاس آمدن را ادامه بدهم.»

او با ذوقی که از گفتار نامفهومش هم بیرون می زند، می گوید: «دوست دارم فتوشاپ را آن قدر خوب یاد بگیرم که دیگر کلاس عکاسی نروم تا آن ها عکس هایم را ادیت کنند، ربابه، گلسازی هم بلد است و حالا که با کامپیوتر آشنا شده، امیدوار است از طریق مطالعه ای که می تواند در فضای مجازی انجام دهد، هنر گلسازی را هم بهتر یاد بگیرد.»

حدیثه هم کنار خواهرش آموزش های لازم را یاد می گیرد تا وقتی در خانه هستند، آن ها را با هم مرور کنند؛ گرچه در خانه سیستم کامپیوتر ندارند و فقط به صورت تئوری، دانسته هایشان را مرور می کنند.

سیده اعظم صابری، بانوی کم شنوای دیگری است که داخل خانه سیستم کامپیوتر دارد اما دو پسر دوقلوی هجده ساله اش، آن قدر پای کامپیوتر می نشینند که فرصتی برای او باقی نمی ماند. او که ناشنوای ۸۰ درصدی است، یک بار برای شرکت در کلاس شیرینی پزی در دوره های معمولی (دوره های مربوط به افراد شنوا) شرکت کرده اما برایش خیلی سخت بوده و از صحبت ها و توضیحات مربی، عقب می مانده است.

شمرده شمرده که با او حرف بزنیم، کلام مان را تا حدودی متوجه می شود. صابری که از خیابان احمدآباد به فرهنگ سرای شهید خادم الشریعه می آید، تاپیش از شرکت در کلاس، چندان به فتوشاپ علاقه نداشته است، اما حالا دوست دارد این آموزش ها را ادامه بدهد.

محدثه براتی هم ۲۸ سال دارد. ساکن بولوار توس است و ناشنوا. ارتباط برقرار کردن با او فقط از طریق رابط امکان پذیر است. او که برادرش نیز ناشنواست، در مدرسه ناشنوایان، رشته کامپیوتر را خوانده، اما برای اولین بار است که با برنامه فتوشاپ آشنا می شود و برایش جذابیت دارد.

برگزار می کند اما کلاس های فرهنگ سرا تفاوت مهمی با کلاس های کانون دارد. قرار است مخاطبان فرهنگ سرا، پس از اتمام دوره، برای دادن آزمون به سازمان آموزش فنی و حرفه ای مشهد بروند و در صورت قبولی، مدرک دریافت کنند. ما تا پیش از به میان آمدن چنین موضوعی، نمی دانستیم که نانشوایان امکان شرکت و آزمون دادن در سازمان فنی و حرفه ای را ندارند، چون باید مترجمی به عنوان واسطه، سر امتحانات عملی حضور داشته باشد و رابط مربی و شاگرد شود. مدیر فرهنگ سرا معتقد است که حتی اگر هیچ کدام از اعضای کلاس در آزمون فنی و حرفه ای قبول نشوند، اتفاق بدی نیفتاده؛ «من به همه آن ها گفته ام ما انتظاری از شما نداریم. به هر حال برای اولین بار است که این کار انجام می شود و ممکن است آمار قبولی پایین باشد، اما همین که بچه ها توانسته اند تلاش خود را بکنند، برای ما ارزشمند است.»

حسینیان پیشنهاد تأسیس فرهنگ سرای کم توانان جسمی را نیز مطرح می کند و می گوید: «این موضوع را با سازمان فرهنگی و تفریحی شهرداری مشهد در میان گذاشتیم که آن ها گفتند قبلا پیشنهادش مطرح شده و در «سیستم جامع نظام پیشنهادها» ثبت شده است.»

دستم موقع کار کردن با کامپیوتر می لرزد

پیش از حضور مان در کلاس فتوشاپ، مدیر فرهنگ سرا می گوید: «بسیاری از نانشوایان، اعتماد به نفس کافی را برای انجام فعالیت های اجتماعی ندارند. آن ها حتی در ابتدای برگزاری کارگاه فتوشاپ، برای حضور در کلاس، معذب بودند.»

بعد از اینکه پا به کلاس می گذاریم، با خانم ها وارد گفتگو می شویم. ربابه رمضان پور ۳۲ سال دارد و همراه خواهر کوچکش که در کلاس نهم درس می خواند، از خیابان مهرآباد به محله خاتم الانبیا (ص) می آید و رفت و برگشتشان در مجموع، حدود سه ساعت طول می کشد. از او درباره میزان رضایت مندی اش از کلاس می پرسیم. مربی اش، خانم حمیدی، حرف های ما را با زبان اشاره برایش می گوید

برگزاری این کلاس دارد و در واقع به عنوان مترجم و رابط، آموزش های مربی را با زبان اشاره برای مخاطبان بازگو می کند. در کنار این افراد، کمیت های چهار نفره وجود دارد که متشکل از ترابی، حمیدی و دونفر دیگر است. حسینیان درباره کار این کمیت می گوید: «آن ها پیش از برگزاری هر جلسه آموزشی، نشست را برگزار می کنند و درباره مباحث کلاس و چگونگی توضیح و بیان آن، باهم صحبت می کنند. گاهی توضیح برنامه های فتوشاپ به نانشوایان دشوار است، چون فرمان های این برنامه، به زبان انگلیسی است و باید قبلش درباره آن ها صحبت شود.»

بولمان را روی هم گذاشتیم و یک لپ تاپ خریدیم

ترابی کم شنوایی است که به فتوشاپ و گرافیک مسلط است و به گفته خودش، حکم اختراع در زمینه وب سایت سه بعدی را دارد. می خواهیم بدانیم او چطور این مهارت ها را به دست آورده که شمرده شمرده بر ایمان می گوید: «به سختی. خودم تلاش کردم.»

به چشمانش اشاره می کند: «خیلی فیلم دیدم و از راه تماشا کردن برنامه های فتوشاپ در اینترنت، کم کم یاد گرفتم.» حسینیان که از همان ابتدا به توانایی های ترابی پی برده و زمینه لازم را برای فعالیت او در فرهنگ سرا فراهم کرده است، می گوید: «شاید نانشوایانی باشند که مثل آقای ترابی، دست به تلاش های فردی در زمینه یادگیری فتوشاپ زده باشند، اما تاکنون به صورت گروهی برای آنان کلاسی برگزار نشده است.» ذوق و اشتیاق حمیدی و ترابی به راه اندازی کلاس فتوشاپ در فرهنگ سرا به اندازه ای بوده است که پول های خود را روی هم گذاشته و یک لپ تاپ مشترک به قیمت یک میلیون و ۴۰۰ هزار تومان خریده اند. حالا قبل از برگزاری کلاس ها، با همین لپ تاپ، تمرین و برای افراد آن آموزش ها، برنامه ریزی می کنند.

حتی اگر در آزمون قبول نشوند، تلاش شان برای ما ارزشمند است

خود کانون نانشوایان، کلاس های مختلفی را برای این قشر

در فرهنگ سرای خادم الشریعه وقتی سراغ مسئول برگزاری «کلاس فتوشاپ نانشوایان» را می گیریم، اول از همه محمد ترابی را به ما معرفی می کنند؛ کم شنوایی که ایده برگزاری این کلاس را مطرح کرده است. او پر انرژی است و از همان برخورد اول می توان فهمید که حرف های زیادی برای گفتن دارد، اما زبان گویایی ندارد. همین می شود که «محمد ابراهیم حسینیان»، مدیر فرهنگ سرا، زبان ترابی می شود و وقتی در اتاقش، درباره طرح یادشده حرف می زند، ترابی نیز با حرکات دست و سر، تمام گفته های او را تأیید می کند.

کلاس فتوشاپ هر هفته، بعد از ظهر روزهای زوج، برای ۱۲ خانم کم شنوا و ناشنوا برگزار می شود و در مجموع ۲۰ جلسه را در بر می گیرد. حسینیان در شروع صحبتش می گوید: «ما بلد نبودیم با نانشوایان به خوبی ارتباط بگیریم؛ برای همین تمام کارها را به آقای ترابی محول کردیم. اوز حمت ثبت نام و هماهنگی های لازم را کشید. کار ما فقط این بوده که فضا و امکانات را برای آنان مهیا کنیم.»

کمیت های چهار نفره، قبل از هر جلسه، باهم نشست برگزار می کنند

اولین بار است که در سطح شهر مشهد، یک ناشنوا، در یک فرهنگ سرا آموزشی تخصصی دریافت می کند. دلیلش هم این است که برای آموزش به نانشوایان، علاوه بر مدرس، باید یک مترجم هم حضور داشته باشد تا مباحث را با زبان اشاره به مخاطبان انتقال دهد. همین دشواری است که سبب شده تا به حالا تنها ارگانی که آموزش هایی تخصصی را به نانشوایان فراداده است، خود کانون نانشوایان باشد.

حسینیان در حال دادن همین توضیحات است که «افسانه حمیدی ادیب»، مدرس کلاس فتوشاپ، هم به جمع ما می پیوندد؛ خانم جوانی که توانایی شنیدن ندارد اما گنگ صحبت می کند. او که در هنرستان معمولی، رشته کامپیوتر خوانده، تا حدود زیادی به فتوشاپ مسلط است و در حال حاضر مدرس این دوره از کلاس هاست.

لیلا منیری، مسئول مترجمان کانون، نیز نقش دیگری در